

بررسی نقش میانجیگری کیفری در حل و فصل اختلافات قومی در استان کهگیلویه و بویراحمد

سید محمد دانشگر^{۱*}، محمدرضا برومندزاده^۲

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

۲- دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش میانجیگری کیفری در حل و فصل اختلافات در بین عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد با رویکرد عدالت ترمیمی صورت گرفته است. عدالت ترمیمی بر آن است که همه طرفین درگیر در جرم را در فرایند حل و فصل اختلافات مشارکت دهد و با ابزارهایی مانند میانجیگری جرم‌زدایی شود و اصل این است تا جایی که امکان دارد؛ متهم را تعقیب نکند. همچنین درصدد فراهم کردن تشفی خاطر بزه دیده هست. قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۸۲ موضوع «میانجیگری» را در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷، ۸ مطرح کرده که این امر موجب کاهش تراکم پرونده‌ها و کاهش هزینه‌های بزه دیده و در مورد متهم باعث فراهم شدن زمینه برای تسریع باز اجتماعی شدن او می‌شود. امروزه در میان نظریه پردازان حقوق کیفری اعتقاد بر آن است که میانجیگری کیفری به عنوان یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلافات، باید از اصول و قواعد خاصی که تضمین کننده حقوق بزه کار و بزه دیده به صورت همزمان است، پیروی نماید. روش تحقیق در این مقاله کمی و تکنیک تحقیق پیمایشی است،

جامعه آماری در این پژوهش شامل ۱۶۰ نفر از خانوارهای عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد است، ابزار جمع آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای است که به صورت مصاحبه انجام شده و با استفاده از نرم افزار SPSS به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. نتایج کلی تحقیق نشان می‌دهد که میانجیگری کیفری از طریق نشست و گفتگوی بزرگان و ریش سفیدان عشایر در استان کهگیلویه و بویراحمد باعث حل و فصل اختلافات و جلوگیری از دعواها و نزاع می‌شود و می‌تواند به عنوان جلوه‌ای نوین از عدالت کیفری بازوی مناسبی برای دستگاه قضا باشد.

واژه‌های کلیدی: اختلافات قومی، عشایر، میانجیگری، عدالت ترمیمی، عدالت کیفری، استان کهگیلویه و بویراحمد.

مقدمه و بیان مسأله

در گذشته وقتی جرمی به وقوع می‌پیوست آنچه مورد توجه و مطالعه جرم شناسان قرار می‌گرفت، بزه‌کار و بزه‌کاری بود. در بزه دیده شناسی هدف جبران خسارت بزه دیده است. عدالت ترمیمی، جنبشی نوین در حوزه جرم شناسی است. از آنجا که جرم موجب جریحه دار شدن وجدان جامعه و اختلال در نظم اجتماعی می‌شود دستگاه عدالت قضایی را بر آن می‌دارد تا آسیب‌های به وجود آمده را ترمیم کند و طرفین نیز مجاز به مشارکت در این فرآیند خواهند بود. عدالت کیفری نیز از حدود دو دهه‌ی پیش، به تدریج درهای خود را تحت شرایطی به روی مشارکت مردمی که "میانجیگری یکی از نمودهای آن است باز کرد میانجیگری به معنای فرایند سه‌جانبه‌ای است که با وجود بزه دیده، بزه‌کار و شخص ثالث به عنوان میانجی‌گر تشکیل می‌شود، میانجی‌گری کیفری به دودسته تقسیم می‌شود: ۱) میانجی‌گری کیفری جامعه‌ی ۲) میانجی‌گری کیفری دولتی و از نظر دیگر می‌توان آن را به تحت نظر دادسرا و خارج از دادسرا تقسیم نمود.

در قانون آیین دادرسی کیفری میانجیگری در ماده ۸۲ در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷، ۸ پیش‌بینی و منوط به موافقت طرفین شده است. در متن ماده ۸۲ قانون مزبور، تا سقف چهار ماه برای تحصیل گذشت شاکی و جبران خسارت ناشی از جرم و تا سقف شش ماه برای حل و فصل شکایت از طریق ارجاع به «میانجیگری» و شورای حل اختلاف تخصیص یافته است.

نفس پیش‌بینی این مدت طولانی ده‌ماهه با صراحت ماده ۳ همین قانون، دایر بر لزوم رسیدگی در کوتاه‌ترین مدت و جلوگیری از اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری در تضاد آشکار است.

با همه ابهامات و نگرانی‌ها، گنجاندن اصل « میانجیگری » در متن قانون آیین دادرسی کیفری جدید، گرایش به سمت وسوی پایه‌ها و مبانی عدالت ترمیمی و مبانی آن را گواهی می‌دهد. امید است جامعه ما از تحولات زمان، بخصوص پیشرفت علوم در جرم‌شناسی استفاده کند و بتواند با رفع مشکلات، پیش‌زمینه‌های لازم فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی را نیز تدارک ببیند و با تلفیق ره‌آورد‌های نوین حقوقی و تجارب روزآمد بشری همچنان گشاینده راه‌های نو برای نسل آینده باشد. استفاده از راهکارهای جایگزین حل و فصل اختلافات در امور کیفری چند تفاوت اساسی با راهکارهای حقوقی دارد، اصولاً از دیدگاه حقوق کیفری استفاده از میانجیگری، داوری و یا سایر روش‌های حل و فصل اختلافات باید به شیوه‌ای نظام‌مند صورت بگیرد، به عبارت دیگر نخستین و بارزترین تفاوت استفاده از راهکارهای جایگزین حل و فصل اختلافات در امور کیفری نسبت به موضوعات و دعاوی مدنی نظام‌مند بودن آن‌ها نسبت به راهکارها و روش‌های مورد استفاده در حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی است.

در این نوشتار سعی خواهد شد تا با در کنار هم قرار دادن موضوعاتی مانند اصول عدالت ترمیمی، راهکارهای اجرای عدالت ترمیمی، ماهیت میانجیگری کیفری و نقش آن در اجرا سازی نظریه عدالت ترمیمی و جایگاه میانجیگری در نظام حقوقی ایران، ارزش و اهمیت میانجیگری به عنوان یکی از راهکارهای جایگزین نظام دادرسی رسمی در نظام حقوقی کشورمان را مشخص کنیم، و در نهایت به تجزیه و تحلیل داده‌های آماری با توجه به آنچه در پرسشنامه‌هایی که از طریق مصاحبه با افراد چندین خانوار عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شده است به نقش میانجیگری کیفری در بین عشایر این استان پردازیم با توجه به جمعیت زیاد عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد و آداب و رسوم خاص خود اختلاف‌های محلی در این مناطق زیاد است که مهم‌ترین راهکار در جهت برخورد و حتی پیشگیری از این معضلات میانجیگری کیفری است که از طریق نشست و گفتگوی بزرگان و ریش‌سفیدان این مناطق صورت می‌گیرد.

با توجه به تراکم زیاد پرونده‌ها در دادگاه‌ها و عدم تسریع در رسیدگی به دعاوی به خاطر عدم وقت مناسب و رجوع پرونده‌هایی با موضوع بسیار کوچک و قابل حل بین طرفین در محاکم قضایی پرداختن به میانجیگری کیفری به عنوان جلوه‌ای از عدالت ترمیمی از اهمیت و ضروریات این پژوهش است و همچنین با توجه به اینکه در بسیاری از عشایران استان کهگیلویه و بویراحمد، هنوز عقاید و احترام به بزرگان واجب و مردم منطقه احترام همدیگر را دارند پذیرفتن میانجیگری کیفری می‌تواند در کاهش پرونده‌ها به محاکم قضایی مؤثر باشد لذا این ضرورت را ایجاب می‌کند که میزان تأثیرگذاری آن را در استان بررسی کرد.

فرصت‌های تحقیق

- ۱- با توجه به اینکه میانجیگری کیفری در پی ترمیم ضرر و زیان وارده به بزه دیده و ایجاد زمینه صلح و سازش بین بزه‌کار و بزه دیده است در حل و فصل اختلافات عشایران استان کهگیلویه و بویراحمد نقش مؤثر و مثبتی دارد.
- ۲- از آنجایی که میانجیگری به عنوان جلوه‌ای نوین از عدالت کیفری در پی صلح و سازش است استفاده از این شیوه در بین عشایران استان کهگیلویه و بویراحمد تأثیر مثبتی در کاهش تعداد شکایات و مراجعات به دادگستری خواهد داشت.
- ۳- با توجه به اینکه ایلات عشایران استان کهگیلویه و بویراحمد دارای فرهنگ خاص خود و از روابط فامیلی نزدیک و احترام به بزرگان جزئی از فرهنگ آن‌هاست در حل و فصل اختلافات آن‌ها میانجیگری کیفری بیشترین تأثیر را دارد.

ادبیات مفهومی و نظری

مفهوم عدالت ترمیمی

شاید بتوان در ساده‌ترین تعریف ممکن عدالت ترمیمی را فرایندی دانست که به وسیله آن، تمام اشخاصی که در حادثه مجرمانه دخیل هستند، گرد هم می‌آیند تا با مشارکت یکدیگر در مورد آثار و نتایج عمل مجرمانه و آینده بزه دیده و بزه‌کار جامعه بعد از وقوع جرم، چاره‌اندیشی نمایند. با این حال ارائه تعریفی جامع و مانع از عدالت ترمیمی چندان هم ساده

نیست؛ چون عدالت ترمیمی دارای ماهیتی سیال و منعطف بوده و طرح‌ها، برنامه‌ها و اندیشه‌های گوناگونی را شامل می‌شود. نقطه اشتراک تمامی این تعاریف توجه و التفات به نقش آفرینی سه عنصر و رکن اساسی مثلث عدالت ترمیمی (بزه دیده، بزه‌کار، جامعه) (مارشال، ۱۳۸۴: ۹۷) در مقابله با بزه و اثرات نتایج آن با تکیه بر نیازها و قابلیت‌های جامعه، بزه دیده و بزه‌کار است. تونی مارشال، عدالت ترمیمی را «فرایندی» می‌داند که «طی آن طرف‌هایی که به نوعی در جرم خاص حق و سهم دارند دورهم جمع می‌شوند تا درباره نحوه برخورد و رفتار با عواقب جرم ارتكابی و استلزامات آن برای آینده، به صورت جمعی تصمیم بگیرند»؛ یا به عبارت دیگر، «عدالت ترمیمی یک رویکرد مبتنی بر حل و فصل نسبت به جرم است که خود طرف‌های ذینفع به طور کلی جامعه (جامعه محلی و در موارد جرائم شدید، جامعه در سطح کلان) را در یک رابطه فعال با نهادهای قانونی (پلیسی-قضایی) مرتبط و درگیر می‌کند». بدین ترتیب در تعریف مارشال، داوطلبانه بودن شرکت در فرایند، مذاکره و تصمیم‌گیری مشترک با مداخله با نظارت مقام‌های رسمی یا میانجی‌گر یا شخص بی‌طرفی که «تسهیل‌کننده» یا پیش‌برنده گردهمایی طرفین و جریان مذاکره و دستیابی به راه‌حل محسوب می‌شود، یافتن پاسخ اجماعی ترمیمی به جرم و آثار آن و نیز پرداختن به علل ارتكاب جرم و کمک به بزه‌کار در اجرای تعهدات نسبت به بزه دیده و جامعه محلی، خصایص اصلی فرایند عدالت ترمیمی را تشکیل می‌دهد (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۸۲: ۲۲).

تبیین عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی جهت تقویت اجتماع برای پیشگیری از جرم در آینده است. جرم سبب ایجاد صدمه و ضرر و زیان شده، و نیز آشکارکننده شرایط ناعادلانه قبل از آن است. این وضعیت می‌تواند منجر به ایجاد کشمکش و درگیری طولانی میان بزه‌کار و بزه دیده شود، به نحوی که رفتار مجرمانه در آن‌ها آشکار گردد. این شرایط ممکن است ناشی از یک وضعیت ساختاری اقتصادی، فرهنگی، نژادی سیاسی و امثال این‌ها باشد. عدالت ترمیمی در جستجوی راه‌هایی برای ترمیم وضعیت‌های جرم‌زای موجود و پیشگیری از جرم است (بهره‌مند، ۱۳۸۳: ۸۹). البته این احساس وجود دارد که عدالت ترمیمی نه یک اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات

بلکه یک فلسفه است. پاسخ ترمیمی به جرم، متضمن تبیین مبانی نظری ضرورت مشارکت کلیه ارکان اجتماع و از جمله بزه دیده و حتی بزهکار است. تا زمانی که اجتماع اصولاً بر این اعتقاد است که متخصصان می‌توانند از طرق علمی راه‌حل‌های مشکل بزهکاری را پیدا کنند، این خطر وجود دارد که شهروندان از مشارکت در برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه که توسط خود آن‌ها انجام‌شدنی است خودداری کنند. با این تلقی، وقتی من شاهد ارتکاب جرمی هستم یا می‌بینم که همسایه کنار من در حال نقض قانون است، من باید به کار خود برسم زیرا افراد دیگری هستند که به‌عنوان پلیس و وظیفه برخوردار با این مشکل را دارند (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

مفهوم میانجیگری کیفری

واژه (میانجیگری) در دو معنی به کار می‌رود: یکی وساطت بین دو طرف متخاصم به منظور عفو طرف متجاوز به وسیله قربانی یا زیان‌دیده یا به منظور رفع اختلاف و ایجاد صلح و سازش بین آن دو، دیگری، پایمردی و وساطت نزد حاکم (قاضی) به سود مجرم و گناهکار به منظور عفو بخشش خطای او یا تخفیف در مجازات وی (در زبان عرب، واژه شفاعت) در معنای دوم میانجیگری به کاررفته است. این کلمه مأخوذ از (شفع) به معنای (جفت) است. گویی شفاعت‌کننده (شفیع) با وسیله قرا دادن حرمت و اعتبار خود نزد حاکم (مشفوع الیه) و قرار گرفتن در کنار شخص خاطی (مشفوع له) جفت او گشته، در صدد رهایی او از مجازاتی که در معرض آن قرار گرفته برمی‌آید. آنچه در دانشنامه جرم‌شناسی ذیل مدخل میانجیگری آمده این نهاد را نحوه‌ای دانسته است از انحراف نسبت به فرایند کیفری که ممکن است در هر مرحله‌ای از لحظه‌ای که جرمی اتفاق افتاده تا قبل از اینکه متهم در محضر دادگاه حاضر می‌شود، مورد استفاده قرار گیرد (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۷۷: ۱۴۱). ولیکن به نظر می‌رسد با توجه به هدف قضا زدایی این مفهوم را تعمیم داده معنی آن را در محضر دادگاه و در هر مرحله‌ای، از لحظه‌ای که جرم اتفاق افتاده تا مرحله صدور حکم و اجرای آن مورد استفاده دانست به‌طور کلی میانجیگری روش یا آئین حل اختلافات است بدون دخالت دستگاه دادرسی فرایندی که طی آن بر ضرورت مذاکره شرکت‌کنندگان با یکدیگر جهت حصول به یک

توافق در خصوص دعوی مطروح تأکید و بر مبنای تصمیم سازی آزادانه و توأم با مشارکت طرفین نسبت به حل و فصل خصومت اقدام می‌شود به دنبال تراکم پرونده‌ها و کار دادگاه‌های کیفری از یک‌سو، و تورم جمعیت کیفری از سوی دیگر که منجر به تضعیف کارایی و بازدهی نظام کیفری در زمینه‌های مبارزه با بزهکاری و بازپروری و اصلاح بزهکاران شد، عدالت کیفری نیز از حدود دو دهه‌ی پیش، به تدریج درهای خود را تحت شرایطی به روی مشارکت مردمی که "میانجیگری" یکی از نمودهای آن است باز کرد.

میانجیگری کیفری، فرایند سه‌جانبه یا سه‌طرفه‌ای است که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری بر اساس توافق قبلی شاکی - بزده دیده و متهم - بزهکار با حضور شخص ثالثی به نام میانجی‌گر یا میانجی به منظور حل و فصل اختلاف‌ها و مسائل ناشی از ارتکاب جرم، آغاز می‌شود؛ به این بیان که در حقیقت این خود بزه دیده و بزهکار هستند که طی جلسات متعدد، با دیدار و گفت‌وگوی مستقیم یا در صورت لزوم غیرمستقیم - از طریق نامه‌نگاری و... به یک راه حل مرضی‌الطرفین در خصوص اختلافات مطروحه خود دست می‌یابند بدون اینکه میانجی نظر یا رأی خود را به آنان تحمیل کند. درباره انواع میانجی‌گری نظرهای مختلفی ابراز گردیده که با توجه به جمع جهات می‌توان سه نوع میانجیگری را در سیاست جنایی از هم تفکیک کرد: ۱- میانجی‌گری کیفری جامعه‌ی ۲- میانجی‌گری کیفری جامعه‌ی همراه با نظارت مقام قضایی ۳- میانجی‌گری کیفری قضایی - پلیسی یا میانجی‌گری درون تشکیلاتی (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۷۷: ۱۴۶). ضرورت‌های توجیهی میانجی‌گری کیفری اندیشه قضا زدایی از طریق احاله اختلافات ناشی از پدیده‌ی مجرمانه به میانجی‌گری کیفری و قبول نوعی کدخدا منشی در حل و فصل منازعات فی‌مابین بزده دیده و بزهکار و جامعه، اهمیت و منزلت غیرقابل‌انکاری در ترسیم یک سیاست عدالت کیفری؛ مشارکتی انعطاف‌پذیر و کارآمد دارد. به همین لحاظ و با توجه به ظرفیت و توانایی محدود مراجع کیفری رسمی در رویارویی با جرائم و به‌ویژه برای تأمین رضایت بزده دیدگان و نیز در پرتو تحولات جرم‌شناسی نوین، از حدود سه دهه پیش به این سمت سازمان ملل متحد و پاره‌ای نظام‌های کیفری داخلی درصدد مشارکت دادن جامعه مدنی در فرایند عدالت کیفری برآمده‌اند، در این مسیر یکی از ابزارهای مهمی که در خدمت این اندیشه برآمده است میانجی‌گری کیفری بوده است. بدیهی است که

میانجی‌گری کیفری - به‌ویژه میانجی‌گری کیفری با نظارت قضایی - جلوه‌ای از عدالت ترمیمی است که تا اندازه‌ای، عدالت کیفری را به "عدالت مدنی" (حقوقی) و آیین دادرسی کیفری را به آیین دادرسی مدنی نزدیک می‌کند و بدین‌سان، مرزهای متنی بین حقوق کیفری و حقوق مدنی را کمرنگ و حتی گاه از بین می‌برد. مگر نه این است که امروزه در حقوق مدنی در کنار حقوق کیفری - به‌عنوان هسته اصلی و مرکزی سیاست جنایی - به یکی از مقوله‌های سیاست جنایی تبدیل شده است. تجربیات فراملی از نظر نهادینگی میانجی‌گری کیفری به شکل جدید، کشور کانادا به‌عنوان کشور پیشگام در زمینه تجارب میانجی‌گری تلقی می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۶: ۴۹).

تبیین میانجیگری کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۸۲- در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت که قابل تعلیق هستند، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا موسسه‌ای جهت میانجیگری ارجاع کند. مدت میانجیگری از ۳ ماه بیشتر نخواهد بود. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضا فقط برای یک‌بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرائم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورات موضوع ماده مذکور می‌کند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه می‌دهد.

تبصره: بازپرس می‌تواند تعلیق تعقیب یا ارجاع به میانجیگری را از مقام قضایی تقاضا نماید.

بنابراین میانجی‌گری کیفری به دودسته تقسیم می‌شود:

۱) میانجی‌گری کیفری جامعه‌وی: مثل کامن لا که دست جامعه است و خارج از مقام قضایی.

۲) میانجی‌گری کیفری دولتی که زیر نظر قوه قضاییه است مثل فرانسه از نظر دیگر می‌توان آن را به تحت نظر دادسرا و خارج از دادسرا تقسیم نمود.

مهم‌ترین روش‌های میانجیگری کیفری

۱- جلسات گفتگوی گروهی خانوادگی (نشست)

برگزاری جلسات گفتگوی گروهی خانوادگی، یکی دیگر از روش‌هایی است که تئوری عدالت ترمیمی برای رسیدن به اهداف خود از آن بهره می‌جوید. این جلسات که ابتدا در کشور نیوزلند بکار گرفته شد و بعدها در کشورهای دیگر نیز رواج یافت؛ مبتنی بر دخالت مستقیم اعضای خانواده بزه دیده، بزه‌کار و وابستگان آنها در فرایند ترمیمی است. «اخیراً نتایجی که از اعمال آزمایشی برنامه‌های مبتنی بر ایجاد احساس شرمساری بازسازی کننده در بزه‌کار به دست آمده است، نشان می‌دهد که تا حد مطلوبی موجبات رضایت خاطر بزه دیدگان، از طریق چنین برنامه‌هایی فراهم شده است. هرچند این مقدار پایین‌تر از میزان رضایت خاطری است که در روش میانجیگری نصیب بزه دیدگان شده است» (مارشال، ۱۳۸۴: ۱۱۵). اما باین حال برگزاری چنین جلسات و نشست‌هایی می‌تواند در مشارکت اعضای دیگر جامعه محلی در فرایند ترمیمی مؤثر بوده و آنها را به جبران بخشی از خسارات بزه دیده و کمک به بزه‌کار در جهت رهایی از عواقب ناشی از عدم تمکن در جبران خسارات بزه دیده ترغیب نماید.

۲- حلقه‌های اصلاح و درمان و سازش

ایجاد حلقه‌های سازش و درمان، روش ترمیمی است که با مشارکت دادن همه اعضای درگیر در جرم یعنی بزه‌کار و وابستگانش، بزه دیده و وابستگانش، قاضی مقام تعقیب، وکیل مدافع و اعضای جامعه محلی، حلقه‌ها و گروه‌هایی را تشکیل می‌دهد که این افراد، در آن گروه‌ها جمع شده و به بحث در مورد جنبه‌های اختلاف ناشی از جرم می‌پردازند. تشکیل

حلقه‌های اصلاح و درمان، فرایندی جامعه‌محور است که در مشارکت با نظام عدالت کیفری به منظور ایجاد اتفاق نظر بر تعیین مجازات متناسب، که دغدغه خاطر همه افراد ذی‌نفع در جرم ارتكابی است؛ صورت می‌گیرد. هدف حلقه‌ها، فراهم کردن موجبات تشفی خاطر اعضای جامعه و رسیدن به توافق و بازگرداندن مسئولیت به جامعه است. به‌طور دقیق مفهوم اصلاح و درمان با اعاده وضع سابق و ایجاد سازش مربوط است (مارشال، ۱۳۸۴: ۵۳).

مهم‌ترین آیین میانجیگری کیفری

در این دادرسی اعتقاد براین است که در فرآیند رسیدگی کیفری و جهت‌گیری‌های قضایی در زمان آغاز تعقیب کیفری، محاکمه و تعیین مجازات، از یک‌سو به نظریات و خواسته‌های بزه دیده باید بها و ارزش بیشتری داده شود و از سوی دیگر همچون بزهدکار مشمول برنامه‌های درمانی، بازپروری و بازپذیرسازی اجتماعی قرار گیرد. در دادرسی ترمیمی با اقتباس از فلسفه وضع جرم در عدالت ترمیمی در اغلب موارد پیش از آنچه جرم با مفهوم ذهنی یا انتزاعی، محل نظم عمومی به حساب آید با نگاهی عینی، جرم اقدامی زیان‌بار علیه بزه دیده تلقی می‌گردد. از دیدگاه دادرسی ترمیمی تلاش دادرسی واقع‌نگر در مرحله اول باید معطوف به جبران خسارت و التیام روابط گسیخته شده در بین سهامداران باشد. در این نظام از مجرم به‌عنوان فردی که تحت شرایط خاص مرتکب عملی زیان‌بار علیه شخص دیگری از جامعه یا علیه جامعه خود شده باشد، نگریسته می‌شود و در موقعیتی سرشار از احترام و صمیمیت و از طریق سازوکارهای مبتنی بر مشارکت فعال همه سهامداران و با تأکید بر مذاکره و گفتگو، بزهدکار، ضمن پذیرش مسئولیت عمل ارتكابی خود و با مساعدت و همیاری جامعه، به جبران خسارت بزه دیده و رفع مشکلات و التیام روابط اختلال یافته جامعه می‌پردازد.

۱- آیین فصل

در میان عشایر عرب خوزستان، آیین‌های متداولی از قدیم وجود داشته که بر اساس آن اختلافات ناشی از جرائم را در میان خود فیصله می‌دادند. به‌عنوان مثال «عرب را داورانی بود که در کارهای خویش به آنان رجوع می‌کرد و در محاکمات و مواریث و آب‌ها و خون‌های

خویش آنان را داور می‌شناخت. چه، عرب را دینی نبود که به احکام آن رجوع کنند. پس اهل شرف و راستی و امانت و سروری و سالخورده‌گی و بزرگواری و آزمودگی را، حکم قرار می‌دادند» (ابن ابی‌یعقوب، ۱۳۶۲: ۳۳۷). این راه‌حل‌های عرفی که آیین فصل نامیده می‌شود هنوز هم در بین افراد عشایر عرب وجود دارد و از هنگامی شروع می‌گردد که قتلی رخ داده، تجاوزی به وقوع پیوسته یا جرم دیگری واقع شود که مطابق اعتقادات و ارزش‌های قومی - قبیله‌ای و عشایری نبوده است و برم بنای این آداب و رسوم، عمل ارتكابی جرم محسوب شود (عطاشنه، ۱۳۷۰: ۱۰۰). در جهت حل و فصل اکثر دعاوی از این آیین استفاده می‌شود. کاربرد این آیین بیشتر در زمینه قتل است به نحوی که در مورد قتل و انواع مختلف آن ۹۵ درصد پرونده‌ها با مصالحه و دادن فصل، خاتمه می‌یابد. این رسم در همه کشورهای عربی به ویژه اردن، فلسطین و نیز در کشور افغانستان با عناوین مشابه یا متفاوت مثل صلح، رسم بد و غیره جاری است. فرآیند اجرای این رسم دارای برخی ابعاد ترمیمی است. وجود میانجی برای گفتگو با طرفین اختلاف برای حصول سازش، ضرورت رعایت احترام به طرفین در فرآیند اجرای این رسم، اقرار مرتکب به جرم ارتكابی و تسلیم خود در جریان اجرای آیین فصل، پرداخت خسارت به بزه دیده یا اولیاء وی و در نهایت حصول سازش و توافق، در صورت موفقیت‌آمیز بودن این فرآیند، از جمله ویژگی‌های ترمیمی آن به شمار می‌رود. فصل در معنای لغوی به معنای جداسازی، بریدن، وساطت و مداخله بین متنازعین است و در اصطلاح فصل یعنی جبران و ترمیم خسارات وارده به بزه دیده. برخی دیگر عقیده دارند فصل در اصطلاح عبارت است از: احکام، آیین‌ها، سنت‌های موروثی حل اختلاف جزایی و حقوقی که غیر مکتوب و غیرمدون بوده و به منظور جبران خسارات وارده به بزه دیده اجرا می‌شوند (دانا، ۱۳۸۴: ۵۰). آنچه در این آیین مورد حکم قرار می‌گیرد، فُصیله نامیده می‌شود.

۲- آیین خون بس

در بین عشایر لر نیز آداب و رسومی شبیه آیین فصل وجود داشته است که به این آیین‌ها، آیین‌های خون بس گفته می‌شود. این آیین بیشتر در مورد جرم قتل عمد کاربرد دارد و این امر نیز ناشی از این اعتقاد است که این قوم اهمیت ویژه‌ای برای خون قائل هستند. «از دیدگاه حقوقی و تشکیلات حقوقی قوم لر می‌توان در حکم گسترده‌ترین واحدی منظور نموده که

در بطن آن اختلافات و تنازعات از راه حکمیت و داوری و میانجی‌گری حل و فصل می‌شود» (علی‌قلی‌خان، ۱۳۶۳: ۴۲۷). در این آیین نیز، در صورت وقوع قتل عمد در میان قبیله، به علت اینکه هنوز در لحظات اولیه، احساسات، علیه قاتل در نزد خانواده مقتول بسیار تند است و احتمال انتقام و مقابله به مثل در مورد قاتل یا بستگان وی در آن لحظات اولیه زیاد است، سادات و ریش سفیدان ایل و بزرگان قوم گرد هم جمع می‌شوند و در صحنه حاضر شده و اقدام به پادرمیانی و میانجی‌گری می‌نمایند و سپس به خانه مقتول رفته و اقدام به وساطت و میانجی‌گری می‌نمایند و از آن‌ها درخواست می‌کنند که به رسم بزرگی و کرامت از بی‌خانمان نمودن قاتل و خانواده وی درگذرند و خانواده مقتول را به آرامش دعوت می‌نمایند. پس از گذشت ساعات پرالتهاب اولیه، بزرگان و ریش سفیدان قبیله با حضور در بین خانواده مقتول و اولیاء دم مقتول، تلاش‌های گسترده‌ای را در جهت تحصیل رضایت خانواده مقتول آغاز می‌نمایند و از خانواده مقتول می‌خواهند که بزرگواری نموده و از درگیر شدن با قاتل و ارتکاب قتلی دیگر خودداری نمایند و قاتل (خون‌دار) را که مستحق قصاص و هیچگونه تخفیفی نیست، ببخشند و به نزاع و درگیری خاتمه دهند.

در صورت پذیرش تقاضای عفو و بخشش قاتل، از سوی خانواده مقتول، روزی را با توافق دو خانواده قاتل و مقتول برای گفتگو در خصوص جرم ارتكابی معین می‌نمایند و در صورتی که درخواست عفو مورد قبول خانواده مقتول واقع نشود، قاتل باید خود را تسلیم مراجع قانونی نماید در غیر این صورت خانواده و قبیله مقتول اقدام به انتقام‌گیری از قاتل، خانواده و قبیله‌ایشان می‌نمایند. در صورت پذیرش درخواست عفو و بخشش قاتل، از طرف خانواده مقتول و توافق در خصوص تعیین روزی که برای گفت‌وگو و مذاکره جهت حل و فصل موضوع تعیین می‌شود در این روز بزرگان و ریش سفیدان خانواده و قبیله قاتل در طی یک اقدام نمادین، بر گردن قاتل ریسمانی آویخته و قرآن و شمشیری بر روی دستان وی گذاشته و او را به منزل اولیاء دم مقتول می‌برند و از ولی دم مقتول می‌خواهند که به احترام قرآن مجید قاتل را ببخشند و به گرفتن خون‌بها رضایت بدهند و یا اگر گذشت نمی‌کنند، در صورتی که مصلحت می‌دانند، قاتل را با همان شمشیری که در دست دارد، قصاص نمایند (آنسل، ۱۳۸۲: ۶۴).

یافته‌ها

جامعه آماری پژوهش حاضر ۱۶۰ نفر از افراد عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشند. هدف از این پژوهش بررسی این موضوع است که میانجیگری کیفی در بین عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد تا چه حد مؤثر و کارآمد است و می‌تواند به‌عنوان یکی از بازوان عدالت کیفی مورد استفاده قرار گیرد. با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تلخیص، سنجش و تفسیر نتایج در دو سطح توصیفی و استنباطی و استفاده از فراوانی، درصد و میانگین پرداخته می‌شود.

شکایت افراد در مراجع انتظامی و قضایی باعث هزینه زیاد و خستگی عشایر نشینان می‌شود؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۶,۳	۱۰	خیلی کم
۱۸,۸	۳۰	متوسط
۵۰,۰	۸۰	زیاد
۲۵,۰	۴۰	خیلی زیاد
۱۰۰,۰	۱۶۰	جمع

نتایج نشان می‌دهد ۷۵ درصد از پاسخگویان بر این نظر هستند که در صورت بروز اختلاف و رجوع به مراجع انتظامی و قضایی طرفین دعوا باید هزینه‌های زیادی را متحمل بشوند از جمله هزینه رفت آمد به شهر و عدم آگاهی از نحوه شکایت و رفت آمدها و هزینه‌های بی‌موردی که باید پرداخت بکنند و در نهایت این همه رفت آمد و هزینه زیاد باعث خستگی طرفین دعوا و در نهایت عدم حل و فصل دعوا و در نهایت بروز کینه بین طرفین و در نهایت اختلاف ناشی از عدم حل و فصل دعوای قبلی می‌شود.

از نحوه رسیدگی به شکایت خود و نتیجه آن راضی بودید؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۳۸/۸	۶۲	خیلی کم
۳۳/۱	۵۳	کم
۱۵/۶	۲۵	متوسط
۶/۹	۱۱	زیاد
۵/۶	۹	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۶۰	جمع

همانطوری که مشاهده می‌شود ۳۸/۸ درصد خیلی کم، ۳۳/۱ درصد کم، ۱۵/۶ درصد بطور متوسط، ۶/۹ درصد زیاده و ۵/۶ درصد خیلی زیاد از نحوه رسیدگی به شکایت و نتیجه آن راضی بودند، نتایج نشان می‌دهد که عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد از نحوه رسیدگی و رأی صادر شده از محاکم قضایی خیلی راضی نیستند که این موضوع می‌تواند نشان از تأثیر بیشتر روش میانجیگری کیفری از طریق بزرگان و معتمدین محل باشد تا مراجعه به مراجع قضایی. و موفق باشد در کاهش مراجعه عشایر به مراجع قضایی و حتی در پیشگیری از جرائم مؤثر باشد.

رابطه خویشاوندی بین مردم عشایر وجود دارد؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۰	۰	خیلی کم
۰/۰	۰	کم
۴۱/۹	۶۷	متوسط
۹/۴	۱۵	زیاد
۴۸/۸	۷۸	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۶۰	جمع

همانطوری که مشاهده می‌شود ۴۱/۹ درصد به‌طور متوسط، ۹/۴ درصد زیاد و ۴۸/۸ درصد خیلی زیاد رابطه خویشاوندی بین اهالی این عشایر را تایید کردند، نتایج نشان می‌دهد رابطه خویشاوندی زیادی در عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد صورت می‌گیرد و اکثر ازدواج‌ها فامیلی است و همین امر باعث استحکام روابط خویشاوندی و همبستگی عشایر نشینان می‌شود، و در نتیجه روش میانجیگری کیفی در حل و فصل اختلافات آن‌ها می‌تواند مؤثر و مفید واقع بشود.

با رسیدگی به اختلافات و جرائم ارتكابی از طریق ریش سفیدی و کدخدا منشی آشنایی

دارید؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۰	۰	خیلی کم
۰/۰	۰	کم
۳۲/۵	۵۲	متوسط
۶۳/۱	۱۰۱	زیاد
۴/۴	۷	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۶۰	جمع

همانطوری که آمار نشان می‌دهد ۳۲/۵ درصد به‌طور متوسط، ۶۳/۱ درصد زیاد و ۴/۴ درصد خیلی زیاد با رسیدگی به اختلافات و جرائم ارتكابی از طریق ریش سفیدی و کدخدا منشی آشنایی دارند، نتایج نشان می‌دهد اکثر پاسخگویان در عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد با آیین ریش سفیدی و کدخدا منشی آشنایی کامل دارند.

مردم عشایر هنگام بروز درگیری و نزاع بین خود، علاقه‌ای به کمک و حمایت از یکدیگر

و برقراری سازش و حل مشکل دارند؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۰	۰	خیلی کم
۰/۰	۰	کم
۷/۵	۱۲	متوسط
۴۰/۰	۶۴	زیاد
۵۲/۵	۸۴	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۶۰	جمع

همانطوری که در جدول مشاهده می‌شود ۷/۵ درصد به‌طور متوسط، ۴۰ درصد زیاد و ۵۲/۵ درصد خیلی زیاد نظر دادند که عشایر هنگام بروز درگیری و نزاع بین خود، علاقه‌ای به کمک و حمایت از یکدیگر و برقراری سازش و حل مشکل دارند، نتایج نشان می‌دهد که عشایر نشینان استان کهگیلویه و بویراحمد استقبال بیشتری از روش میانجیگری در حل و فصل اختلافات خود تا مراجع قضایی دارند، بنابراین باید تا حد امکان میانجیگری کیفی در عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد فرهنگ‌سازی و حتی آموزش داده شود.

در صورت هرگونه درگیری و اختلاف یا نزاعی بین عشایر محل، بزرگترهای محل تمایلی به میانجیگری و برقراری مصالحه و سازش بین طرفین دارند؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۰	۰	خیلی کم
۰/۰	۰	کم
۱/۹	۳	متوسط
۲۵	۴۰	زیاد
۷۳/۱	۱۱۷	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۶۰	جمع

آمار نشان می‌دهد از نظر پاسخ دهندگان ۱/۹ درصد به‌طور متوسط، ۲۵ درصد زیاد و ۷۳/۱ درصد خیلی زیاد، در صورت هرگونه درگیری و اختلاف یا نزاعی بین اهالی عشایر، بزرگترهای محل تمایل به میانجیگری و برقراری مصالحه و سازش بین طرفین دارند. نتایج به‌دست آمده در این سؤال و نمودار نشان می‌دهد که بزرگان عشایر در استان کهگیلویه و بویراحمد در صورت بروز هرگونه اختلاف احساس مسئولیت می‌کنند و با میانجیگری ایفاء نقش می‌کنند و بی‌تفاوت نیستند نسبت به اختلافات همدیگر.

هنگامی که شما مورد تعرض یا حمله‌ای از جانب دیگری قرار بگیرید برای احقاق حق خود کدام مرجع را انتخاب خواهید کرد؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۰	۰	خودم اقدام می‌کنم
۱۱/۹	۱۹	پلیس و دادسرا
۳/۸	۶	شورای حل اختلاف
۱۳/۸	۲۲	دادگستری
۷۰/۶	۱۱۳	بزرگان و معتمدین محل
۱۰۰	۱۶۰	جمع

۱۱/۹ درصد پاسخ دهندگان نظر دادند که برای احقاق حق خود به پلیس و دادسرا، ۳/۸ درصد به شورای حل اختلاف، ۱۳/۸ درصد به دادگستری و ۷۰/۶ درصد به بزرگان و معتمدین محل مراجعه می‌کنند، نتایج نشان می‌دهد که عشایر نشینان استان کهگیلویه و بویراحمد در حل و فصل اختلافات خود و برای احقای حقوق خود به بزرگان و معتمدین محل خود بیشتر اعتماد و اعتقاد دارند تا دیگر مراجع حقوقی بنابراین می‌توان گفت میانجیگری کیفری روشی بسیار مؤثر در حل فصل و احقای حقوق عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد است.

شکایت نزد مراجع انتظامی و قضایی باعث هزینه زیاد و خستگی عشاير می شود؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۰	۰	خیلی کم
۰/۰	۰	کم
۱۱/۹	۱۹	متوسط
۱۲/۵	۲۰	زیاد
۷۵/۶	۱۲۱	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۶۰	جمع

همانطوری که آمار نشان می دهد ۱۱/۹ درصد پاسخ دهندگان به طور متوسط، ۱۲/۵ درصد زیاد و ۷۵/۶ درصد خیلی زیاد، نظر دادند که شکایت نزد مراجع انتظامی و قضایی باعث هزینه زیاد و خستگی مردمان عشاير می شود. نتایج نشان می دهد که بیشتر پاسخگویان بر این نظر هستند که در صورت بروز اختلاف و رجوع به مراجع انتظامی و قضایی طرفین دعوا باید هزینه های زیادی را متحمل بشوند از جمله هزینه رفت آمد به شهر و عدم آگاهی از نحوه شکایت و رفت آمدها و هزینه های بی موردی که باید پرداخت بکنند و در نهایت این همه رفت آمد و هزینه زیاد باعث خستگی طرفین دعوا و در نهایت عدم حل و فصل دعوا و در نهایت بروز کینه بین طرفین و در نهایت دعوی ناشی از عدم حل و فصل دعوی قبلی می شود.

حل و فصل اختلافات از طریق میانجیگری کیفی (نشست بزرگان و...) برخلاف رسیدگی

توسط مراجع قضایی، باعث رفع کدورت و جبران خسارت می شود؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۰	۰	خیلی کم
۳/۱	۵	کم
۶۰	۹۶	متوسط
۱۸/۸	۳۰	زیاد
۱۸/۱	۲۹	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۶۰	جمع

همان طوری که آمار نشان می‌دهد ۳/۱ درصد پاسخ دهندگان نظرشان بر این بود که حل و فصل اختلافات از طریق بزرگان و ریش سفیدان بر خلاف رسیدگی توسط مراجع قضایی کم، ۶۰ درصد گفتند به طور متوسط، ۱۸/۸ درصد زیاد و ۱۸/۱ درصد گفتند که خیلی زیاد باعث رفع کدورت و جبران خسارت می‌شود. آمار به دست آمده نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان بر این اعتقاد هستند چنانچه دعوا یا اختلافی در عشایر رخ بدهد و این دعوا یا اختلاف در مراجع قضایی رسیدگی و در نهایت منجر به حکم و اجرای آن و حل و فصل اختلاف شود، طرفین دعوا هنوز باهم مشکل دارند و کدورت بین آن‌ها پابرجا هست و این کدورت ممکن است در آینده با توجه به اینکه هم‌مرز هستند و در یک منطقه زندگی می‌کنند باعث ایجاد یک اختلاف دیگر و یا شدیدتر بشود، در صورتی که اگر همان دعوا یا اختلاف توسط بزرگان و با میانجیگری آن‌ها در همان عشایر حل و فصل می‌شد مطمئناً کدورت بوجود آمده هم از بین می‌رفت و طرفین دعوا با یک دیگر آشتی می‌کردند و رفت آمد خانواده‌ای آن‌ها در عشایر به وجود می‌آمد، بنابراین این نکته باید مورد توجه نهادهای قضایی باشد که تنها با صدور حکم، اختلاف بین طرفین دعوا در عشایر از بین نخواهد رفت بلکه باید تمهیداتی اندیشید از جمله رجوع آن‌ها به شورای حل و اختلاف عشایرهای همجوار یا دستور اجرای حکم توسط اهالی محل در جهت حل و فصل قطعی و اصلاح قطعی ذات البین.

سازش ناشی از میانجیگری بادوام و قاطع خواهد بود؟

درصد فراوانی	فراوانی	
۰/۰	۰	خیلی کم
۰/۰	۰	کم
۱۳	۲۱	متوسط
۶۳	۱۰۲	زیاد
۲۴/۱	۳۹	خیلی زیاد
۱۰۰	۱۶۲	جمع

نتایج حاکی از این است که ۱۳ درصد پاسخ دهندگان اظهار داشتند که سازش ناشی از میانجیگری به طور متوسط، ۶۳ درصد زیاد و ۲۴/۱ درصد خیلی زیاد بادوام و قاطع است. نتایج

نشان می‌دهد که سازش ناشی از میانجیگری بادوام و قاطع خواهد بود و این نتیجه در سؤالات قبل هم به دست آمده زیرا میانجیگری توسط بزرگان عشایر محل صورت می‌گیرد و آن‌ها هم جزئی از خود این مردم هستند، و به نوعی نظارت محلی صورت می‌گیرد و مردم مواظب فرد خاطی هستند که دوباره مرتکب خطا نشود.

نتیجه‌گیری

میانجی‌گری کیفری، یک روش انسانی در مواجهه با اختلافات انسانی است که در کنار دستگاه عدالت کیفری رسمی، با حفظ وابستگی و همچنین با حفظ حدودی از استقلال، به عنوان یک سازوکار مکمل و در بسیاری از موارد، به عنوان بدیلی برای فرایند رسمی عدالت کیفری، به مقابله با تعارضات ناشی از مسائل مجرمانه برمی‌خیزد. هدف اساسی میانجی‌گری کیفری این است که تا حد ممکن منافع و دیدگاه‌های ارکان اصلی عدالت کیفری، یعنی بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه محلی، باهم دیگر به تعادل و توازن نزدیک شود. قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۸۲ موضوع «میانجیگری» را در تمام جرائم قابل گذشت و جرائمی که گذشت شاکی یا مدعی خصوصی مؤثر در تخفیف مجازات است را مطرح نموده است شق اول ماده میانجی‌گری کیفری جامعه‌ی و شق دوم ماده ۸۲ جامعه‌ی - دولتی است. در صورت توافق بر میانجیگری و تحقق آن، در جرائم غیرقابل گذشت تعقیب تعلیق می‌شود و در جرائم قابل گذشت قرار موقوفی صادر می‌شود. این امر موجب می‌شود متهمان و کسانی که برای اولین مرتبه مرتکب جرم شوند از برچسب مجرمانه‌ی رهایی یابند و در همان دادسرا در صورت فقدان شاکی خصوصی و یا گذشت او باهم توافق کنند و دیگر مسئله به دادگاه کشیده نشود و زمینه برای برگشت او به جامعه فراهم شود و همچنین باعث کاهش حجم پرونده‌ها می‌شود و در مورد بزه‌دیده باعث می‌شود زودتر به خواسته خود برسد و هزینه‌های او را کاهش دهد.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های آماری چنین نشان می‌دهد که در بین عشایر نشینان استان کهگیلویه و بویراحمد اختلافات و جرائم زیاد است که شاید بیشترین دلیل آن‌ها اختلافات ملکی مرتعی و تعصبات قومی قبیله‌ای و آداب و رسوم خاص عشایر نشینان است. بیشتر پاسخگویان بر این نظر هستند که به دادسرا مراجعه نکردن و بیشتر بر روش میانجیگری و

حل و فصل اختلافات از طریق بزرگان و معتمدین محل اعتقاد دارند. نتایج نشان می‌دهد که عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد از نحوه رسیدگی و رأی صادر شده از محاکم قضایی خیلی راضی نیستند که این موضوع می‌تواند نشان از تأثیر بیشتر روش میانجیگری کیفری از طریق بزرگان و معتمدین عشایر باشد تا مراجعه به مراجع قضایی با توجه به اینکه در عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد اهالی محل احترام بزرگان را دارند روش میانجیگری کیفری در کاهش مراجعه عشایر به مراجع قضایی و حتی در پیشگیری از جرائم می‌تواند بسیار مؤثر و موفق باشد. اکثر پاسخگویان در عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد با آیین ریش سفیدی و کدخدا منشی آشنایی کامل دارند. نتایج نشان می‌دهد که عشایر نشیانیان استان کهگیلویه و بویراحمد از روش میانجیگری در حل و فصل اختلافات خود بیشتر استقبال می‌کنند تا مراجع قضایی بنابراین باید تا حد امکان میانجیگری کیفری در عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد فرهنگ‌سازی و حتی آموزش داده شود، همچنین بزرگان عشایر در استان کهگیلویه و بویراحمد در صورت بروز هرگونه اختلافی میانجیگری می‌کنند و بی‌تفاوت نیستند نسبت به اختلافات اهالی محل خود.

نتایج نشان داد که عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد در حل و فصل اختلافات خود و برای احقاق حقوق خود به بزرگان و معتمدین عشایر خود بیشتر اعتماد و اعتقاد دارند تا دیگر مراجع حقوقی بنابراین می‌توان گفت میانجیگری کیفری روشی بسیار مؤثر در حل و فصل و احقاق حقوق عشایر ثیان استان کهگیلویه و بویراحمد است و احترام به بزرگان برای آن‌ها امر پسندیده و جزئی از اخلاقیات آن‌ها محسوب می‌شود که این صفت نیک می‌تواند در حل و فصل اختلافات آن‌ها بسیار مؤثر و کارگشا باشد و می‌توان میانجیگری کیفری در عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد را به‌عنوان یکی از بازوان مراجع قضایی استان در کاهش پرونده‌های قضایی و جلوگیری از تردد افراد در مراجع قضایی به حساب آورد.

بیشتر پاسخگویان بر این نظر بودند که در صورت بروز اختلاف و رجوع به مراجع انتظامی و قضایی طرفین دعوا باید هزینه‌های زیادی را متحمل بشوند از جمله هزینه رفت آمد به شهر و عدم آگاهی از نحوه شکایت و رفت آمدها و هزینه‌های بی‌موردی که باید پرداخت بکنند و این همه رفت آمد و هزینه زیاد باعث خستگی طرفین دعوا و عدم حل و فصل دعوا و در نهایت

بروز کینه بین طرفین و بعضاً دعوی ناشی از عدم حل و فصل دعوی قبلی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که اگر حل و فصل اختلافات توسط بزرگان و معتمدین محلی صورت بگیرد تأثیر مثبت آن در روابط بعدی آنها بیشتر است تا اینکه توسط مراجع قضایی رأی صادر و نهایت اجرا بشود.

اکثر پاسخگویان بر این اعتقاد بودند چنانچه دعوا یا اختلافی در محل آنها رخ بدهد و این دعوا یا اختلاف در مراجع قضایی رسیدگی و در نهایت منجر به حکم و اجرای آن و حل و فصل اختلاف شود، طرفین دعوا هنوز باهم مشکل دارند و کدورت بین آنها پابرجا هست و این کدورت ممکن است در آینده با توجه به اینکه هم‌قبیله‌ای و هم‌مرز هستند و در یک منطقه زندگی می‌کنند باعث ایجاد یک اختلاف دیگر و یا شدیدتر بشود، در صورتی که اگر همان دعوا یا اختلاف توسط بزرگان و با میانجیگری آنها در همان محل حل و فصل می‌شد مطمئناً کدورت هم از بین می‌رفت و طرفین دعوا باهم دیگر آشتی می‌کردند و رفت آمد خانواده‌ای آنها در عشایر به وجود می‌آمد، بنابراین این نکته باید مورد توجه نهادهای قضایی باشد که تنها با صدور حکم، اختلاف بین طرفین دعوا در عشایر از بین نرفته بلکه باید تمهیداتی اندیشید از جمله رجوع آنها به شورای حل و اختلاف یا دستور اجرای حکم توسط این شورا در محل در جهت حل و فصل قطعی و اصلاح قطعی ذات البین.

بیشتر پاسخگویان داوری بزرگان محل را در حل و فصل اختلافات به وجود آمده بین آنها عادلانه می‌دانند و اذعان داشتند که آنها با توجه به اینکه از مردم عشایر هستند و از اصل و ریشه اختلاف باخبر هستند بهتر و با علم قطعی می‌توانند قضاوت بکنند بین طرفین و در نهایت حل و فصل اختلاف بکنند. سازش ناشی از میانجیگری بادوام و قاطع خواهد بود و این نتیجه در طول سؤالات هم به دست آمده زیرا میانجیگری توسط بزرگان عشایر صورت می‌گیرد و آنها هم جزئی از خود این مردم هستند، و به نوعی نظارت محلی صورت می‌گیرد و مردم مواظب فرد خاطی هستند که دوباره مرتکب خطا نشود.

پیشنهادات

- توجه ویژه به بحث میانجیگری کیفی در عشایر و تشویق مردم به این فرهنگ و حفظ آن برای نسلهای آینده
- ایجاد نشست های مختلف با مردم در جهت ترویج دوباره این فرهنگ برای نسل حاضر و بیان محاسن آن در جهت رفع هرگونه اختلافی در عشایر
- استفاده از بزرگان و ریش سفیدان عشایر در شورای حل و اختلاف و ایجاد برنامه های فرهنگی و نشست های قومی در عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد در جهت حفظ سنت میانجیگری

منابع

- ۱- آنسل، مارک، (۱۳۸۲). دفاع اجتماعی نوین، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- ابن ابی یعقوب، احد، (۱۳۶۲). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، جلد اول، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۳- بهره مند، حمید، (۱۳۸۳). جلوه های عدالت ترمیمی در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۴- تونی مارشال، (۱۳۸۴). عدالت ترمیمی ترجمه ی امیر سماواتی پیروز، مارتین رایت و دیگران، عدالت ترمیمی ارتقاء بخشیدن به رویکرد بزه دیده محوری، تهران انتشارات خلیلیان.
- ۵ - حبیبی، رحمان، (۱۳۸۶). میانجیگری کیفی راهی به سوی کیفر زدایی، اداره زندان محلات.
- ۶- دانا، امیررضا، (۱۳۸۴). جلوه های عدالت ترمیمی در نظام کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران.
- ۷- عطاشنه، منصور، (۱۳۷۰). فصل در بین عشایر عرب خوزستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۷۰-۱۳۶۹.

۸- علی قلی خان، سردار اسعد بختیاری، (۱۳۶۳). تاریخ بختیاری، انتشارات سیاوی، چاپ دوم، سال.

۹- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، (۱۳۸۲). از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، سال دوم، شماره ۹ و ۱۰ (پاییز و زمستان ۸۲).

۱۰- نجفی ابرندآبادی، علی محمدحسین، هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷). دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.